

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی

۲۶ نومبر ۲۰۱۶

"نه" به "کلینتن"، "آری" به "ترمپ" نیست!

۳

در ادامه قسمت های گذشته و قبل از آن که نظر خود را به ارتباط چرائی شکست خانم "کلینتن" و پیروزی "ترمپ" بنگارم لازم است به یکی دو نکته دیگر اشاره نمایم، باشد خوانندگان عزیز پورتال بیشتر متوجه ترفند های رسانه های رسمی وابسته بگردند.

به دنبال شکست "عفریت شفاوت" و اعلام پیروزی "سلطان ژتون"، برخی از رسانه های وابسته به سرمایه، به صورت عمده جهت آن که بتوانند از "سلطان ژتون" چهره یک "مسیحا" را به خورد خوانندگان خویش حفته نمایند شروع کردند به این که گویا، "مردم امریکا به علت مخالفت علیه "سیستم" به فردی "خارج از سیستم" رأی داده اند". با آن که این طیف از نشرات هیچ گاهی نمی خواهند غرض شان را از کاربرد "سیستم" و این که "سیستم" را چه می بینند بیان نمی دارند تا بتوان دقیقتر مچ آنها را گرفت، مگر در همین سطح مبهم گوئی نیز نباید به آنها فرصت داد، تا از یک استمارگر قهار که در هر خشت قصر های سر به فلک کشیده اش، خون و عرق طبقه کارگر و جهان هزینه شده است، یک منجی ضد "سیستم" ساخته، توهم پراگنی نمایند.

جای دارد در همین زمینه بیفزایم، اگر منظور از "سیستم" کلیت نظام اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اداری است که بر مبنای آن امپریالیزم جنایتگستر امریکا قادر شده است در طی دهه های متوالی ضمن مکیدن خون طبقه کارگر امریکا، بر خلقهای جهان نیز آتش و بمب پرتاب نموده در قفایش به جز خون و خاکستر چیز دیگری باقی نگذارد، "ترمپ" نه تنها "خارج سیستم" نبوده و نیست و بخشی از همان سیستمی است که از زمان ایجاد کشوری به نام "ایالات متحده امریکا" تاریخی مشبوع از جنایت، قتل و تجاوز دارد؛ هم در گذشته ها و هم در همین انتخابات با بهره گیری و سوار شدن بر توسن بی لگام همان سیستم برحریفش پیروزی کسب نمود.

اگر خواسته باشیم جهت اثبات مدعای خویش مثالی عرضه بداریم می توان بهره گیری "ترمپ" از سیستم را در دو نکته بیشتر از سایر نکات مشاهده نمود:

نخست افتتاح ایمل های "هیلری کلینتن" و باز نمودن مجدد دوسیه آن به وسیله رئیس "اف. بی. آی" با ارسال یک نامه به نمایندگان آنها دو هفته قبل از شروع رأی گیری بود. امروز کسی نیست این را نداند که اگر آن نامه در همان

مقطع تاریخی فرستاده نمی شد و اگر همان "سیستم" به کمک "ترمپ" نیامده، "هیلری" را در موضع دفاعی قرار نمی داد، به یقین میلیونها رأی دهنده ای که فقط در آخرین لحظات، انتخاب خویش را مشخص ساخته، به پای صندوق های رأی می روند، عملکردشان نتیجه ای را بار می آورد که غیر از احوال کنونی می بود. دومین نکته ای که "ترمپ" از همین سیستم بهره گرفته و بر مبنای آن قادر شد، حریفش را شکست بدهد، نقش برجسته "قمار" در درون "ارزش های امریکائی" بود. قماری که آنچنان ظریفانه سر هم بندی گردیده که برای بسیاری از مردم اساساً قابل درک نیست.

ناگفته نماند امروز قسمتی از همان رسانه ها، به پشتوانه کمبود فهم مردم از سیستم قمار گونه و نفوذ آن در درون ارزش های امریکائی، تلاش می ورزند تا به شکلی از اشکال فضائی را به وجود بیاورند که گویا در حق "هیلری" ظلم شده با آن که در کل بیش از ۲ میلیون رأی بیشتر از "ترمپ" داشته است، باز هم بازنده اعلام شده و "قمار" در سیستم انتخابات امریکا زیر نام (The Winner Takes All) "برنده همه را می گیرد".

تا جایی از مطالعه نظامهای انتخاباتی بر می آید، نظامهای انتخاباتی در کشور ها به خصوص کشور های پیشرفته غربی در خطوط کلی خود دو نوع اند، یکی "تناسبی" و دیگری "برنده همه چیز".

نظامهای نمایندگی تناسبی که عمده ترین و شاخصترین نمونه های آن را می توان در آلمان، هالند و برخی از کشور های دیگر اروپای غربی و جهان مشاهده نمود، به نظامی گفته می شود که میزان درصد آراء به دست آمده کاملاً مطابق است با در صد چوکی های پارلمان. یعنی وقتی یک حزب در یک کشور ۵، ۱۹، ۱۵ و ... در صد آراء را در جریان انتخابات به دست آورد، متناسب با آن ۵، ۱۰، ۱۵ و ... چوکی های پارلمان آن کشور را نیز تصرف می کنند. نقطه آغاز را به خاطری از ۵ درصد آغاز نمودیم که در بسیاری از این چنین کشور هائی جهت جلوگیری از نفوذ و راهیابی احزاب جدید و کوچک در پارلمان، به یک حرکت ضد دموکراتیک دست یازیده، تمام آنها را که کمتر از ۵ درصد آراء را به خود اختصاص داده اند، از راهیابی به پارلمان باز می دارند. در چنین سیستمی از انتخابات، در واقع هر رأی به ذات خود ارزش خود را داشته در آن مفاهیم متضاد اکثریت و اقلیت که در هر روند دموکراتیکی می باید روابط درونی نیروها را با آن محک زد، معنای خاص خود را داشته می باشند.

و اما در سیستم های انتخاباتی (The Winner Takes All) که ریشه آن کشور انگلستان بوده، تقریباً در اکثر آنها که به سیستم های انتخاباتی از طریق انگلستان آشنائی پیدا کرده اند و به صورت عموم در گذشته ها برخی از مستعمرات برتانیای کبیر به شمار می رفتند، رایج است سیستم کاملاً فرق نموده، بیشتر از آن که رأی تک تک افراد در تعیین حاکمیت رول و نقش بازی نماید، بر مبنای آن که "برنده همه چیزی را می برد" زیر نام دموکراسی و حاکمیت مردم، سرنوشت قدرت سیاسی را همان قمار تعیین می دارد.

جهت روشن شدن این اصل توجه تان را نخست به یک مثال فرضی در کل جلب می نمایم:

ما پنج شهر را با عین جمعیت هرکدام یک میلیون نفر در نظر گرفته، در سیستم انتخابات (The Winner Takes All) که از هر شهری فقط ده نماینده انتخاب می گردد را مطالعه می کنیم:

شهر اول: ۹۰۰ هزار رأی ۹۰٪ برای هیلری و ۱۰۰ هزار ۱۰٪ بقیه برای ترامپ - نتیجه هر ۱۰ نماینده مربوط هیلری

شهر دوم: ۵۵۰ هزار رأی ۵۵٪ برای ترمپ و ۴۵۰ هزار ۴۵٪ بقیه برای هیلری- نتیجه هر ۱۰ نماینده مربوط ترمپ

شهر سوم: ۹۵۰ هزار رأی ۹۵٪ برای هیلری و ۵۰ هزار ۵٪ بقیه برای ترمپ- نتیجه هر ۱۰ نماینده مربوط هیلری

شهر چهارم: ۵۱۰ هزار رأی ۵۱٪ برای ترمپ و ۴۹۰ هزار ۴۹٪ بقیه برای هیلری- نتیجه هر ۱۰ نماینده مربوط ترمپ

شهر پنجم: ۵۱۰ هزار رأی ۵۱٪ برای ترمپ و ۴۹۰ هزار ۴۹٪ بقیه برای هیلری- نتیجه هر ۱۰ نماینده مربوط ترمپ.

نماینده ها که همان گزینشگران یعنی "الکتورها" هستند، صلاحیت دارند تا رأی خود را به چه کسی بدهند. معلوم است که در چنین حالتی ترمپ دارای ۳۰ نماینده و "هیلری" ۲۰ نماینده می باشد. حال می بینیم در صد نماینده ها با درصد رأی دهندگان چه نسبتی را نشان می دهند.

جمع آرای "هیلری": ۹۰۰ هزار + ۹۵۰ هزار + ۴۵۰ هزار + ۴۹۰ هزار + ۴۹۰ هزار = ۳ میلیون ۳۳۵ هزار در صد از جمع ۵ میلیون رأی موجود بیش از ۶۵٪ مگر نماینده ۴۰ درصد

جمع آرای "ترمپ": ۱۰۰ هزار + ۵۵۰ هزار + ۵۰ هزار + ۵۱۰ هزار + ۵۱۰ هزار = یک میلیون ۷۲۰ هزار در صد از جمع ۵ میلیون کمتر از ۳۵٪ مگر نماینده ۶۰ درصد

وقتی به مثال بالا با دقت نگریسته شود، مشاهده می شود که اساساً سیستم انتخاباتی امریکا که زیر نام (The Winner Takes All) از آن یاد می گردد، چیزی نیست به غیر از یک قمار. قماری که برنده همه چیز را با خود می برد. با در نظر داشت نکات فوق این که کسی بگوید، "ترمپ" خارج از "سیستم" آمده و حتا گویا در تقابل با "سیستم" انتخاب شده است، حرفی است مفت و بی پایه. عکس آن می توان گفت که "سلطان ژتون" به یمن سابقه اش در بازی قمار، از درون سیستم انتخاباتی امریکا نیز پیروز بیرون شد.

و اما این که مجموع رأی "ترمپ" که در حدود ۶۰ میلیون رأی می شود با احتساب این که جمعاً ۲۴۰ میلیون مستحق رأی در انتخابات وجود داشته و با امتناع ۱۰۰ میلیون نفر از شرکت در انتخابات، در کل چیزی کمتر از ۲۵٪ کل نفوس امریکا را نمایندگی اقلیتی است، غیر قابل انکار، باز هم بر مبنای همان سیستم قمار گونه "برنده همه چیز را می برد" به خود حق می دهد تا نه تنها راجع به سرنوشت مردم امریکا در چهار سال آینده تصمیم بگیرد، بلکه به مثابه دارنده بزرگترین و مخوفترین ارتش جهان و با تکیه بر قدرت قهری که آن ارتش از خود نشان داده و می تواند در آینده نیز نشان دهد، بر سرنوشت تمام بشریت می تواند تصمیم بگیرد، دیگر حرفیست منوط به گذشته.

جهت نمایش واقعی سیستم قمار در انتخابات، توجه تان را به وضعیت فعلی پارلمان انگلستان جلب می نمایم:

سهم آراء و چوکی های پنج حزب اصلی این کشور به ترتیب آرای اخذ شده در انتخابات ۲۰۱۵ چنین بوده است (پارلمان این کشور ۶۵۰ عضو دارد):

درصد آرای اخذ شده	تعداد نمایندگان در پارلمان	در صد نماینده در پارلمان
حزب محافظه کار	۳۳۱	۵۰.۹
حزب کارگر	۲۳۲	۳۰.۴
حزب استقلال برتانيا	۱	۰.۱
حزب لیبرال دموکرات	۸	۱.۲
حزب ملی سکاتلند	۵۶	۸.۶

با دقت در این جدول مشاهده می گردد که سیستم قمار "برنده همه چیزی را می برد" چگونه حزب استقلال را با آن که در کل بیش از ۱۲ در صد کل آرای آن کشور را از آن خود ساخته است، حین تصاحب چوکی های پارلمانی به صفر اعشاریه یک در صد پائین آورده و ۳۶.۹ در صد کل آرای حزب محافظه کار را صاحب ۵۰.۹ در چوکی های پارلمان ساخته است. و ...

ادامه دارد